

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲۴ مهر ۱۴۰۲

مصادف با: ۳۰ ربیع الاول ۱۴۴۵

موضوع جزئی: آیه ۵۱ و ۵۲ - بخش‌های دو آیه - بخش اول - مطلب اول، دوم، سوم و چهارم

جلسه: ۳

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

بخش‌های دو آیه

آیه ۵۱ و ۵۲ متضمن پنج بخش است؛ ما در دو جلسه گذشته تناسب این دو آیه با آیات قبل و مفردات این دو آیه را توضیح دادیم. طبق روال مباحث گذشته، آیات را به بخش‌های مختلف تقسیم می‌کنیم؛ آیه ۵۱ سه بخش دارد و آیه ۵۲ دو بخش. هر کدام از این بخش‌ها متضمن مطالب و نکاتی است که باید ان شاء الله آنها را بیان کنیم.

بخش اول: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً».

بخش دوم: «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ».

بخش سوم: «وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ».

بخش چهارم: «ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ».

بخش پنجم: «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ».

بخش اول: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً».

بخش اول متضمن چند نکته و چند مطلب است:

مطلب اول

مطلب اول درباره مواعده یا وعده خداوند تبارک و تعالی با موسی است، این پرسش و این سؤال مطرح است که این وعده در کجا اتفاق افتاد؟ آیا بعد از نجات از آل فرعون و عبور از بحر بود یا بعد از مراجعت بنی اسرائیل به مصر؟ آیه مبین یکی از این دو احتمال نیست؛ فقط فرموده «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»؛ این را به عنوان یکی از نعمت‌های خداوند تبارک و تعالی به بنی اسرائیل ذکر کرده است. اما اینکه این مواعده بعد از آن بود که از بحر نجات پیدا کردند یا بعد از آنکه به مصر برگشتند، این خیلی مشخص نیست. از ظاهر آیات و روایاتی که در ذیل این آیه بیان شده، اجمالاً می‌توانیم این احتمال را تقویت کنیم که قبل از مراجعت به مصر، این اتفاق افتاده است. اینکه از آن رود عبور کردند، چگونه به مصر برگشتند و آیا از همان طریق دریا برگشتند یا از راه دیگر، این خیلی معلوم نیست. عبور با اعجاز بود، اما بازگشت اعجاز نداشت؛ حالا اینکه چطور برگشتند، آیا کشتی داشتند یا راه دیگری، به هر حال بعد از نجات از آل فرعون، این مواعده اتفاق افتاده است.

در بعضی از تفاسیر آمده که قبل از عبور از بحر، حضرت موسی به بنی اسرائیل فرمود: اگر ما از این بحر به سلامت

عبور کردیم، من از ناحیه خداوند تبارک و تعالی کتابی برای شما می‌آورم که در آن همه دستورات و قوانین مورد نیاز شما بیان شده باشد. لذا بعد از آنکه از این ماجرا نجات پیدا کردند و خداوند فرعون و آل فرعون را غرق کرد، خدمت حضرت موسی آمدند که آن وعده‌ای که به ما دادی و آن کتابی که به ما وعده داده بودی، این را به ما بده. حضرت موسی نزد پروردگار این تقاضا را مطرح کرد و بعد از آن، به قوم فرمود بعد از سی روز یا چهل روز (که علی الظاهر با توجه به بی‌صبری بنی‌اسرائیل در ده روز آخر که به چهل روز رسید، شاید سی روز باشد) این کتاب را برای شما خواهیم آورد. این ماجرای مواعده‌ای است که حضرت موسی با خداوند تبارک و تعالی داشته است.

مطلب دوم

مطلب دوم اینکه اینجا خداوند فرموده «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» یعنی ما با موسی وعده کردیم چهل شب، یا اینکه وعده کردیم بعد از چهل شب این کتاب و الواح را به او بدهیم. اینجا مضافی در تقدیر است؛ یعنی کأن معنای آیه این است: و إذ واعدنا موسی انقضاء اربعین لیلة، که ما با موسی وعده کردیم بعد از انقضاء چهل شب، الواح را به تو بدهیم و تو به سوی قومت بازگردی. این متضمن چند نکته است:

یکی اینکه ما کلمه انقضاء را که اینجا در تقدیر می‌گیریم، در واقع آن توهم و شبهه‌ای که ممکن است به ذهن بیاید که آیا هر شب خدا با موسی وعده می‌کرده و لازمه‌اش تعدد یا تکرار وعده است، کنار می‌رود؛ چون اگر ما انقضاء را در تقدیر نگیریم، ممکن است به ذهن بیاید که این وعده‌ها تکرار شده و هر شب گویا خداوند و موسی این وعده را داشته‌اند.

به علاوه، در سوره اعراف این داستان به شکل دیگری مطرح شده: «وَوَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَنَّاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»، اینجا می‌گوید ما با موسی سی شب وعده کردیم و بعد آن را با ده شب دیگر تکمیل کردیم، آن وقت آن میقات موسی با پروردگارش به چهل شب رسید. اگر ما کلمه انقضاء را اینجا بیاوریم، دیگر بین آیه ۵۱ سوره بقره و ۱۴۲ سوره اعراف تفاوتی به نظر نمی‌رسد؛ اینجا دارد می‌گوید انقضاء چهل شب؛ در این آیه هم بحث «فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً» آمده است. اینکه در یک جا چهل ذکر شده و در یک جا سی ذکر شده، دیگر این تفاوت بین آن مشکلی ایجاد نخواهد کرد؛ چون در آیه سوره بقره منظور انقضاء اربعین است؛ این منافات با این ندارد که وعد یا مواعده سی شب بوده و حضرت موسی از اول نمی‌دانسته، بعد خداوند تبارک و تعالی ده شب اضافه کرد؛ بنی‌اسرائیل هم از اول گمان می‌کردند که سی روز بوده است. یا حضرت موسی نمی‌دانسته یا اساساً به آنها مقدار را نگفته بوده که چه مقدار غیبت خواهد کرد و وقتی آنها دیدند غیبت طولانی شد، آن گرفتاری‌ها و مشکلات برای آنها پیدا شد. به هر حال اینجا اربعین یک مضافی در تقدیر دارد و آن هم انقضاء اربعین لیلة است.

مطلب سوم

مطلب سوم اینکه چرا خداوند لیلة را ذکر کرده است؟ چون وعده خداوند با موسی چهل شب نبود، چهل شبانه‌روز بود؛ اما چرا خصوص لیلة ذکر شده است؟ اینجا برخی از مفسرین مثل فخر رازی گفته‌اند برای این بود که به طور کلی ماه از

شب شروع می‌شود، آغاز ماه قمری از شب است و روز به دنبال آن پدید می‌آید؛ اینکه گفته چهل شب، منظور چهل شبانه‌روز است اما از آنجا که آغاز این ماه شب بوده، شب ذکر شده است. در مورد چهل روز هم دو نقل است: یک نقل این است که ماه ذی القعدة بوده و ده روز اول ماه ذی‌الحجة، یعنی اربعین لیلة معین بوده، نه اینکه خدا با حضرت موسی وعده گذاشته باشد که چهل شب مثلاً به کوه طور بیا؛ نه! این معین بوده است. یک نقل هم این است که سی روز ذی‌الحجة و ده روز اول محرم؛ گرچه اولی مشهورتر است.

مطلب دیگر اینکه اساساً لیل یک خصوصیتی دارد؛ در شب انقطاع بیشتر است، خلوت اساساً اقتضا می‌کند که با خداوند رابطه نزدیک‌تری داشته باشد و استعداد و آمادگی انسان را برای ارتباط و اتصال با خداوند قوی‌تر می‌کند. در بعضی از نقل‌ها هست که حتی حضرت موسی غیر از روزه در روز، شب‌ها هم امساک داشته است؛ حالا این امساک چگونه بوده، آیا متصل به امساک در روز بود یا مثلاً فترتی بین امساک در شب و امساک در روز حاصل می‌شده، شواهد محکمی بر ترجیح یکی از این دو نمی‌توانیم ذکر کنیم. اما بالاخره شب این خصوصیت را داشته است.

پس دو احتمال می‌توانیم برای ذکر «لیلة» در اینجا ذکر کنیم. یکی اینکه شب به طور کلی مبنای محاسبه ماه‌های قمری است؛ معمولاً رؤیت هلال غروب اتفاق می‌افتد. دیگر اینکه شب ویژگی‌ای داشته که در این شب‌ها اوج ارتباط حضرت موسی با خداوند بوده است.

مطلب چهارم

مطلب چهارم درباره خود اربعین است. چرا خداوند در اینجا عدد چهل را ذکر کرده است؟ عدد اربعین به طور کلی یک ویژگی خاصی دارد؛ آیات و روایات در امور مختلف به این عدد اشاره کرده‌اند.

۱. در بعضی از روایات دارد وقتی پیکر حضرت آدم با خاک سرشته شد، چهل سال ماند تا روح در آن دمیده شد. «نفخت فیه من روحی» در روایتی از بحار^۱ آمده که چهل سال طول کشید تا خداوند در او نفخ روح کرد.

۲. در روایت دیگری وارد شده که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِي أَرْبَعِينَ صَبَاحاً»، من تخمیر و سرشته شدن طینت آدم را چهل صبح انجام دادم. این غیر از نفخ روح است.

۳. در برخی روایات وارد شده که وقتی حضرت آدم از بهشت رانده شد، چهل صبح در حالت سجده گریه می‌کرد تا خداوند او را ببخشد.

۴. در روایت دیگری آمده که کسی که مثلاً چهل روز خودش را از گناه حفظ کند و برای خدا خالصانه کار کند، «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْماً فَجَرَّ اللَّهُ يَنْابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»^۲، خداوند سرچشمه‌های حکمت را از قلبش به زبانش جاری می‌کند؛ کسی که چهل روز این مراقبت را داشته باشد، کارش را فقط برای خدا انجام بدهد، این پاداشی

۱. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۵۶.

۲. همان، ج ۶۷، ص ۲۴۹.

است که خداوند به او عطا می‌کند.

۵. روایتی از رسول گرامی اسلام(ص) نقل شده: «مَنْ حَفِظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهَاً عَالِماً»؛ اگر کسی چهل حدیث را برای امت حفظ کند و آنها را در میان امت رواج بدهد، نشر بدهد و بیان کند، به نحوی که آنها از آن منتفع شوند و از آن حدیث بهره ببرند، خداوند تبارک و تعالی او را به صورت فقیه و عالم مبعوث و محشور می‌کند.

به هر حال عدد چهل در آموزه‌های دینی ما یک عدد خاصی دانسته شده و یک ویژگی برای آن ذکر گردیده است. اینجا هم خداوند می‌فرماید: «وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»، یعنی این چهل روز یک ویژگی داشت که حضرت موسی بعد از طی آن، استعداد دریافت تورات را پیدا کرد؛ آماده شد برای دریافت الواح؛ فرمان‌ها و الواح خداوند تبارک و تعالی به موسی عنایت شد بعد از این چهل روز. این توضیح بیشتری دارد که ان شاء الله عرض خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»